



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

وارد بحث تنبیه شدیم البته این مبحث گرچه در ادامه تربیت خانوادگی به عنوان یک روش آن هم روش دارای انواع و بسیار متنوع و دارای مراتب است اما بحث فراتر از بحث خانوادگی است، گرچه یک بخشی از بحث فقهی ما به حوزه خانواده ارتباط پیدا می کند ولی بحث کمی اعم است به همین جهت است که در تنظیمات مکتوب نهایی و تقریر نهایی کجا قرار بگیرد جای یک تقریری وجود دارد و باید روی آن تأملی شود، اما به هر حال چون ما طرح کردیم به طور نسبتاً مبسوط بحث تنبیه را بحث خواهیم کرد.

تعریف تنبیه

در تنبیه، ما یک تعریفی ارائه کردیم که همان تعریفی که در روان شناسی امروز هم گفته می شود، در حقیقت تنبیه: ایجاد عامل آزاردهنده یا حذف عامل خوشایند است که در حقیقت تقویت منفی می شود که عامل آزاردهنده ای را به وجود می آورد یا یک عامل خوشایندی را محروم کند و حذف کند.

افزودن عامل آزاردهنده، تنبیه می شود. حذف عامل خوشایند هم تنبیه می شود. در نقطه مقابل تشویق، افزودن عامل خوشایند یا حذف عامل آزاردهنده است.

در اینجا ما دو سه بحث مقدماتی داریم که یک بحث آن را عرض کردیم و آن بحث مجازات بود و این که آیا می شود آن ها را تنبیه بشمار آورد یا نمی شود و ابعاد و زوایا و جوانب مختلفی که در آن بحث بود و ملاحظه کردیم. در حقیقت این یک مقدمه بود.

در واقع اگر بخواهد تنظیم شود یک مقدمه در تعریف قرار می گیرد، مقدمه دوم در نسبت تنبیه با مجازات فقهی است، چه مجازات دنیوی و چه اخروی، با آن تقسیماتی که داشتیم و امروز هم کم و بیش در بحث مکاسب عرض کردیم، این هم مقدمه دوم بود که یک بحث مقایسه ای و بسیار مهم بود که عرض کردیم. امروز هم یک بحث مقایسه ای تنبیه را خواهیم داشت با مفاهیمی مثل انذار و وعید و امثال این ها که این هم از مباحث بسیار مهم است که در حد مجالی که امروز است نکاتی را پیرامون این عرض خواهیم کرد.



نسبت بین تنبیه با انذار و وعید

مقدمتاً این نکته را خوب توجه دارید که در قرآن و مفاهیم دینی بحث انذار و وعید بحث بسیار مهمی است و همان‌طور که تبشیر و وعد یک بحث بسیار مهم تربیتی در آیات و روایات شریفه است در نقطه مقابل آن انذار و وعید و ترهیب و تخویف مفاهیمی است که به یک روش بسیار مهم در تربیت اسلامی و در تربیت دینی ناظر است و عناوین مختلفی هم وجود دارد؛ انذار، تخویف، ترهیب و وعید و مفاهیمی از این قبیل.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در تنبیه هم یک نوعی از آزار یا خوف و بیم وجود دارد، اگر بخواهیم تنبیه را با تخویف و انذار و وعید و ترهیب مقایسه کنیم چه نسبتی دارد؟ و خانواده این مفاهیم هم چه نسبتی باهم دارند؟ این‌ها سؤالاتی است که به‌عنوان سومین مقدمه بحث در اینجا مطرح است.

پس مقدمه اول: همان تعریف و تبیین خود مفهوم شد.

مقدمه دوم: نسبت تنبیه و مجازات بود.

مقدمه سوم: هم نسبت تنبیه با انذار و تخویف و ترهیب و وعید و امثال این‌ها است.

برای این‌که این نسبت معلوم شود نکته دیگری که باید به آن بپردازیم و توجه کنیم این است که ببینیم خود این انذار و تخویف و ترهیب و وعید چیست و احیاناً بین خود آن‌ها هم تفاوتی وجود دارد یا ندارد تا به مقایسه آن‌ها با تنبیه برسیم؛ و لذا بحث امروز هم بیشتر یک بحث تحلیلی است و بحث فقهی نیست و مقدمات رسیدن به یک بحث فقهی است.

تعریف انذار

در نکته بعدی هم باید این‌طور عرض کنیم که انذار در واقع اخبار به آثار مترتبه بر یک عمل ناشایسته و معصیت است، یعنی نوعی اعلام به یک خطر و یک ضرر است و به یک امری است که مترتب بر فعل انسان می‌شود و بیشتر هم جنبه پیشگیری دارد، یعنی اعلام می‌کند که این خطر وجود دارد برای این‌که پیشگیری انجام شود، در جایی که جنبه پیشگیری ندارد و طرف نمی‌تواند در آن نقشی ایفا کند به آن انذار گفته نمی‌شود، یا حداقل این اصطلاحی که ما می‌گوییم نیست. این‌که بگویید بنا است در فلان سال، خورشید انفجاری پیدا کند که تمام حیات را از زمین برچیند، یا بنا است در سیصد سال دیگر کره زمین با یک کره دیگری برخورد کند و منفجر شود، این‌ها انذار نیست،



انذار در آن مفهومی که ما می‌گوییم؛ اعلام و اخبار است یعنی نوعی خبر دادن است و توجه دادن است، این عنصر اول مفهوم انذار است.

قید و عنصر دوم تعریف انذار این است که این اخبار به یک امر مخیف و بیم دهنده است یعنی توجه می‌دهد و خبر می‌دهد به امری که در آن خطر و ضرر است و طبعاً تولید یک خوف می‌کند. پس اخبار به خطر و ضرری است که طبعاً تولید خوف می‌کند یعنی اخبار به امر مخیف است و مرهّب است.

قید سوم هم این است که این اخبار به امر مخیف در حوزه کاری است که شخص در آنجا به نحوی دارای اختیار است، می‌تواند خود را از آن خطر رها کند یا از وقوع در آن خطر پیشگیری کند و اگر خبر بدهد به یک امری که در آن ضرر و خطر و ترس است، ولی فرد در رفع این خطر و رهایی از این خطر، اراده، اختیار و نقشی ندارد، این انذار نیست. پس «اخبارٌ بأمْرِ فِيهِ خَطَرٌ وَ ضَرٌّ وَ فِيهِ خَوْفٌ»، پس انذار از مقوله اخبار است، ولی خبر در اینجا خبر ضرری است و مخیف است و نتیجه این اخبار هم احتراز و بیداری طرف برای پیشگیری است.

انذار یک روش تربیتی عام است

سؤال: مثال اولی که فرمودید که مثل اینکه سیصد سال دیگر فلان اتفاق می‌افتد با این تعریف خارج می‌شود؟
با قید سوم خارج می‌شود یعنی چیزی که من در آن هیچ نقشی ندارم یک واقعه‌ای است که بناست برحسب فلان قانون فیزیکی اتفاق بیفتد. چرا اگر یک نقشی ولو ریز اگر یک پیدا شد در انذار می‌آید؛ یعنی می‌تواند با توبه و با انابه عذاب برگردد که آن انذار می‌شود؛ بنابراین انذار به‌عنوان یک روش تربیتی عام است، منتها دین در اینجا خیلی حرف دارد؛ و الا قطعاً همین‌طور است؛ یعنی یک مربی هم در فضای غیردینی همین‌طور است و یکی از شیوه‌های تأثیرگذاری این است که به نتایج کار بد او اخبار بدهد، این یک آگاهی بخشی است منتها حالت اخباری دارد و در واقع جنس این روش همان اعطای بینش است؛ یعنی انذار بینشی به طرف می‌دهد منتها اعطای بینش از طریق خبر دادن است و اخبارش هم از مقوله خبر مخیف است و در جایی هم است که فرد ولو به شکل بسیار دقیق، نقشی در رفع خطر یا دفع خطر دارد، یعنی جنسش این می‌شود که انذار یک روش تربیتی است و جنسش آن است که متربی را آگاه می‌کند و آگاهی و تنبّه و توجه به او می‌دهد، این آگاهی بخشی از نوع اخبار است و ممکن است این آگاهی بخشی از نوع تعلیم باشد، پس اول آگاهی بخشی است، دوم اخبار است و سوم اخبار به امر مخیف و مضر و



خطر است و از تشویق جدا می‌شود و قید چهارم هم این است که این خبر به امری است در جایی که امکان یک تغییری در کار انسان دارد یعنی در حوزه اختیار انسان است؛ و این جدا می‌شود از هشدارهایی که طرف نمی‌تواند هیچ کاری بکند. یک نکته هم این است که وقتی خبر به امر مخیف می‌دهد، امر مخیفی است که به نحوی با کار او یک ارتباطی دارد و کار او با آن یک پیوندی دارد به این دلیل است که او هم می‌تواند در آن یک نقشی ایفا کند و لذا در این، پنج عنصر وجود دارد؛ اعطای بینش از طریق خبر دادن، خبر به امر مخیف و مضر و خطر خیز و ترساننده، امر ترساننده‌ای که به نحوی با عمل انسان و رفتار انسان ارتباطی دارد، انسان هم با اختیار خود می‌تواند نقشی در آنجا ایفا کند، حداقل این پنج عنصر در یک تحلیل فلسفی در انذار وجود دارد، این تعریف انذار است. این پنج عنصر انذار است.

عقلایی بودن انذار

در اینجا چند نکته در تکمیل این عرض می‌کنم، یک نکته همان‌طور که اشاره شده است این است که انذار با این واژه و مفهوم در تعلیم و تربیت خیلی بحث نشده است، ولی واقعاً یک روش است و فقط روش دینی هم نیست بلکه یک روش عقلایی تربیت است که البته دین نسبت به این خیلی توجه دارد والا این یک روش است و بعد هم خواهیم گفت که تنبیه نیست و بیشتر تنبیه به معنای لغوی است، یعنی درواقع به او آگاهی می‌دهد و او را به یک خطری متوجه می‌کند برای این‌که او از این خطر پرهیز کند؛ و برای پرهیز از این خطر شوقی در او ایجاد می‌شود که این کار را بکند و این کار را نکند یعنی یک راه و شیوه و اصول و منهج و طریقه و روش برای اثرگذاری در دیگری است، این روش، روش دینی نیست، بلکه روش عام است و یک روش در دانش تربیت است و همه مریبان و معلمان می‌توانند و باید از آن استفاده کنند، منتها البته در فضای دین به دلیل دامنه آن خطرها و عمق و آینده‌اش و عظمتش، انذار یک جایگاه مهمی دارد و خیلی روی این، تحقیقات تجربی می‌شود انجام داد که این کار کم شده است؛ مثلاً تشویق و تنبیه کار شده است، ولی این خیلی امر مهمی است و تحقیقات تجربی کم شده است.

تأثیرات دین در حوزه علوم انسانی

یکی از تأثیرات دین و معارف دینی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی این است که برای علوم جدید مسئله‌ساز است، یعنی مسئله درست می‌کند و در حوزه سوژه‌های تحقیق، جهت می‌دهد؛ که یکی همین است، یعنی اگر کسی



برود می بیند که دین روی چیزی انگشت گذاشته است که سوژه می دهد و اگر روان شناسی سراغ آن برود می بیند که چه قدر مطلب درست می شود.

پس بنابراین این یک روش عقلایی است و دارای یک مکانیسم و سازوکار است و درخور توسعه تحقیق در آن زمینه است و کاربردش فقط کاربرد دینی نیست بلکه می شود در همه حوزه های تربیت، انذار را و اخبار به امر مخیفی که توجه بخش است و حرکت زا است و فرد را تغییر می دهد با این تعریفی که عرض کردیم؛ یعنی در حقیقت آگاهی بخشی از طریق اطلاع دادن به دیگری، نسبت به یک امر خطر آمیز، به منظور پیشگیری و دفع و رفع که چنین تعریفی می شود و این یک امر عقلایی است و سازوکار عقلی و عقلایی دارد و فراتر از حوزه شرع است و البته در شریعت به این امر خیلی توجه شده است.

نقش انذار در تغییر رفتارها و شخصیت ها

نکته دیگر هم در اینجا این است که انذار در عامل پنجم که گفتیم نقشی در تغییر شخصیت یا رفتار دارد آن تغییری که ایجاد می کند گاهی این است که فرد را وامی دارد به این که خطر را دفع کند یعنی دفع و پیشگیری نتیجه کاربرد این روش است که وقتی رسول خدا (ص) انذار می کند این اشخاص به سمت گناه نمی روند و گاهی هم نتیجه آن رفع است، یعنی چیزی که مرتکب می شود و مبتلا است این را ترک می کند و کنار می گذارد، تبشیر هم همین طور است، گاهی موجب می شود که واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند. گاهی هم اگر مبتلا بوده است قطع می کند. این هم باز یک امر عقلایی است؛ یعنی تأثیر این روش گاهی رفعی و گاهی دفعی است، گاهی پیشگیرانه است و گاهی هم زایل کننده و متوقف کننده است، این در مورد معاصی و گناهان است. نسبت به کارهای خوب هم گاهی می گوید ترکش این ضررها را دارد و در آنجا موجب می شود که انجام دهد و وادارنده است، این هم چهار نوع اثری است که تنبیه نسبت به اعمال بد و اعمال خوب ایجاد می کند.

انذار در قرآن

نکته دیگر این است که در شرع، غالباً در قرآن انذار و امثال آن نسبت به عذاب های اخروی آمده است ولی اختصاص به آن ندارد و می شود انذار را نسبت به آن آثار وضعی و دنیوی نیز انذار تلقی کنیم و احیاناً در قرآن هم



هست، این هم نیاز به دقت بیشتری دارد ولی فکر می‌کنم گرچه تأکید روش انذار در قرآن و دین در آثار اخروی است ولی در عین حال اختصاص به آن ندارد و گاهی آثار دنیوی یا روحی یا معنوی را می‌گوید.

آثار گناه و مجازات

ما در بحث قبلی آثار گناه را به این شکل تقسیم کردیم که گفتیم آثار گناه؛ الف: یا آثار وضعی است. ب: یا مجازاتی است. آثار وضعی را هم تقسیم کردیم به؛ الف: آثار وضعی مادی. ب: روحی و هر یک از این‌ها را گفتیم فردی و اجتماعی است.

یک قسم هم آثار مجازات است، گفتیم؛ الف: مجازات دنیوی است مثل حدود و تعزیرات و قصاص و ...، ب: یک قسم هم اخروی است که از احتضار تا قیامت و جهنم است. انذار که می‌گوییم بیشتر ناظر به قسم آخر است؛ یعنی آثار مجازات اخروی، ولی در عین حال مواردی هم داریم که شامل بیان آثار دیگر گناه و آلودگی هم می‌شود؛ و در جاهایی هم که اثر نیست ولی یک نوع ربطی دارد که با عمل می‌تواند در آن کم‌وزیاد کند، آن را هم شامل می‌شود، از این جهت است که هم آثار را شامل می‌شود و هم غیر آثار را شامل می‌شود ولی چیزی که مرتبط است. آثار هم همه این طیف تقسیم هفت هشت قسمی که عرض کردم را شامل می‌شود.

تفاوت انذار و وعید

یک بحث دیگری که باب جدیدی را باز می‌کند این است که انذار و اخبار و امثال این‌ها یک روش تربیتی است که فراتر از دین است و ولی در دین جایگاه رفیع و بلندی دارد. غیر از این، یک روش دیگری هم داریم که تقارب زیادی با این دارد، اما در عین حال یک تفاوت جوهری هم دارد؛ و آن روش وعید است؛ یعنی وعده به عذاب است. تا به اینجا انذار از مقوله اخبار بود، اما وعده به عذاب و وعید از مقوله انشا است؛ یعنی تعهد می‌دهد و می‌گوید اگر این کار را بکنی این نتیجه را دارد، گاهی حالت خبری به آن می‌دهد و می‌گوید نتیجه این کار این است؛ ولی گاهی می‌گوید که من برای آن مجازات قرار می‌دهم و اگر این کار را بکنی من آن کار را با تو انجام می‌دهم و این‌طور مجازات می‌کنم. گاهی قاعده و قانون ارتباطی عقاب را می‌گوید و گاهی لحن عوض می‌شود و می‌گوید من این کار را می‌کنم، در انشاء نوعی تعهد وجود دارد.

سؤال: آیا این اخبار نیست؟



جواب: مشتمل بر اخبار است و چیزی فراتر از اخبار یعنی یک نوع تعهد و انشاء است. گاهی اخبار نتیجه و ملازم آن است مثلاً به بچه‌اش می‌گوید: اگر تو این کار را بکنی تو را خواهیم زد که این انشاء است، این جعل جدیدی است، قرار دادن است نه این‌که اخبار کند که این‌طور است؛ یعنی در واقع می‌گوید من برای کسی که این کار را انجام بدهد، صد ضربه شلاق قرار داده‌ام، در درون این یک اخبار هم هست و معنایش این است که اگر کسی این کار را بکند آن‌طور می‌شود و آن یک جمله خبریه شرطیه است. ولی قبل از آن یک انشایی می‌کند و می‌گوید من این را قرار داده‌ام. وعید (وعده به عذاب) را هم می‌شود حمل بر یک چیز انشایی کرد و هم می‌شود بگوییم در آن نوعی اخبار است. البته پیوند این‌ها خیلی به هم نزدیک است ولی به‌هرحال این هم نوعی روش دیگری است که جعل مجازات می‌کند و این را به او خبر می‌دهد. از حیث این‌که خبر می‌دهد نوعی انذار است ولی وقتی که جعل مجازات برای او می‌کند این یک بار اضافه‌ای بر انذار دارد که این هم یک مطلب است که در اینجا باید به آن توجه شود. این روش هم مثل روش قبلی در تعلیم و تربیت جایگاه مهمی دارد. این دو روش در دین خیلی مورد توجه قرار گرفته است.

مقایسه تنبیه با انذار و وعید

نکته آخر بحث این است که انذار و وعید را با تنبیه مقایسه کنید، در این مقایسه می‌بینید تفاوت خیلی واضح است در عین این‌که در هر دو آن‌ها یک تشابهاتی در خوف و بیم و مسائلی از این قبیل است، اما تفاوت اساسی که دارد این است که تنبیه مجازات بعد از عمل است یعنی تنبیهی که در تعلیم و تربیت مطرح است این است که کسی مثلاً درس نخوانده است یا بی‌ادبی کرده است یا واجبی را ترک کرده است یا خطایی را مرتکب شده است می‌گوید که شلاقش بزن یا اخم کن یا قهر کن و ...

در همه این موارد مفروض این است که یک خطایی صادر شده است و تنبیه بعد العمل است و تنبیه قبل از عمل همان قصاص قبل از جنایت است و امر درستی نیست. ولی انذار هم می‌تواند قبل باشد و هم می‌تواند بعد باشد و اعم است، اما اگر دقیق‌تر شویم تنبیه قبل از عمل هم به لحاظ تنبیهی می‌شود گفت: تنبیه. منتها امر درستی نیست و لذا در تعریف تنبیه مفهوم تنبیه این نیست که بعد از عمل باشد، بلکه ممکن است قبل از عمل باشد یا بعد از عمل باشد. ولی اگر کمی دقیق‌تر شویم فرق چیز دیگری است و آن فرق این است که تنبیه در واقع همان مجازات است



یعنی عملی مفروض گرفته شده است و نتیجه آن عمل را می‌دهد؛ اما انذار نتیجه را به او نمی‌دهد بلکه اعلام می‌کند، در آن صورت تنبیه ممکن است قبل از عمل هم نتیجه عملی که بنا است بعد انجام دهد، به او بدهد. منتها البته این امر درستی نیست و لذا تنبیه درست و صحیح بعد از عمل است. حقیقت تنبیه، مجازات است و نتیجه عمل را به شخص دادن است و یک اقدام خارجی است. انذار اقدام خارجی نیست بلکه دادن اطلاعات به طرف است، این فرق اصلی تنبیه و انذار است، گاهی هست که به طرف اطلاعات می‌دهد، چه قبل از عمل و چه بعد از عمل. گاهی هم هست که نتیجه کار را به صورت امر خارجی به او می‌دهد؛ مثلاً به او اخم می‌کند یا در گوشش می‌زند و ...، پس انذار و وعید یک عمل آگاهی بخشی است نه اقدام خارجی، اما تنبیه این است که نتیجه را به او می‌دهد منتها غالباً انذار قبل از عمل است گرچه ممکن است گاهی هم بعد از عمل باشد و نقشش هم در این است که توبه کند. تنبیه هم غالباً بعد از عمل است والا ممکن است قبل از عمل مثل قصاص قبل از جنایت انجام شود.

سؤال: به قبل از عمل دیگر تنبیه نمی‌گویند چون تنبیه نتیجه عمل است؟

جواب: این مفهوم‌سازی است این را گفتم تا شما را منتقل کنم به آن فرق جوهری این دو. این مفهوم تنبیه است یعنی مجازات عمل را به او می‌دهد منتها می‌گویند این ظلم است برای این که قبل از عمل او را مجازات می‌کند. ممکن است کسی بگوید تنبیه قبل از عمل است و انذار بعد از عمل است، من می‌گوییم این تفاوت کمی سطحی‌نگری است. عمق این تفاوت یک نکته دیگری است و آن این است که در انذار او را از نتایج آگاه می‌کند ولی در تنبیه او را با نتایج مواجه می‌کند.